

# inter- in Power Relational on Based building-Trust relations national

Arsalan Ghorban Sheikhneshin<sup>1</sup>

Mehdi Ansari<sup>2</sup>

## Abstract

The international system as a network with intermingled relationship is the platform for the evolution of the concept of power and its formation among multiple actors. This network is not integrated and the conflict of interests in it has resulted in diverse networks. While assuming that all the actors in the field of international relations are in an incongruous domino process, it should be acknowledged that relational power is a reciprocal process and can lead to the formation and correlation of balanced or unbalanced trust-building networks. The result will be symmetric or asymmetric interdependence. Power is the ability to organize relationships to maintain the process of empowerment. In this regard, the interaction of interests between the structure and the agent becomes important as the main characteristic in the strength of the relationship, which results in building trust within the trust network. The main question of the present article is why and how relational power leads to trust-building in relations between actors in the international arena? In response to this question, the research came to the conclusion that relational power has an effect on trust-building by emphasizing the basic factors of Shareability, exchangeability, active mutual interaction of the structure and agent and Self-activity has influenced trust building between actors. It leads to increased trust between actors within the trust network. This research was done on the basis of library sources and the research method is explanatory-developmental.

Keywords: Relational Power, Trust-building, Trust Network, Agent-structure.



سال سوم، شماره  
۲، پیاپی ۸، پاییز  
و زمستان ۱۴۰۳  
اعتمادسازی  
بر اساس قدرت  
رابطه‌ای در روابط  
بین‌الملل

---

1- Professor of International Relations Faculty of Law and Political Sciences, Tehran, Iran.

ghorbani@khu.ac.ir

2- Faculty member, Culture of Diplomacy and Dialogue Research Group, Tehran, Iran.

smahdiansari@gmail.com

# اعتمادسازی بر اساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

ارسلان قربانی شیخ‌نشین<sup>۱</sup>

مهدی انصاری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

چکیده

نظام بین‌الملل به عنوان یک شبکه با رابطه در هم آمیخته و بستر تحول مفهوم قدرت و شکل‌گیری آن بین بازیگران متکثر است. این شبکه یکپارچه نبوده و تعارض منافع در آن منتج به شبکه‌های متنوع شده است. در عین مفروض قرار گرفتن این موضوع که همه بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل در فرآیند دومینویی نامتجانس قرار دارند، باید اذعان داشت قدرت رابطه‌ای یک فرآیند دوسویه است و می‌تواند به شکل‌گیری و همبستگی متوازن و یا نامتوازن شبکه‌های اعتمادسازی منجر شود که نتیجه آن وابستگی متقابل متقارن و یا نامتقارن خواهد بود. قدرت توانایی سازماندهی روابط برای حفظ فرآیند هم‌توانمندی است. در همین راستا تعامل منافع میان ساختار و کارگزار به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن اعتمادسازی در درون شبکه اعتماد است. در مقابل تعارض منافع میان ساختار و کارگزار به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن شبکه‌های بی‌اعتمادی در درون شبکه است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که چگونه قدرت رابطه‌ای، منجر به اعتمادسازی در روابط بین بازیگران در عرصه بین‌المللی می‌شود؟ در پاسخ به این سوال، پژوهش به این نتیجه رسید که قدرت رابطه‌ای با تأکید بر عوامل اساسی اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، تعامل متقابل فعال ساختار و کارگزار بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در درون شبکه اعتماد می‌شود. این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و روش پژوهش تبیینی-تکوینی است.

کلیدواژه: قدرت رابطه‌ای، اعتمادسازی، شبکه اعتماد، ساختار- کارگزار.



سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
اعتمادسازی  
بر اساس قدرت  
رابطه‌ای در روابط  
بین‌الملل

۱- استاد گروه آموزشی روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران  
ghorbani@khu.ac.ir

۲- عضو هیئت علمی گروه پژوهشی فرهنگ دیپلماسی و گفت و گو، تهران، ایران  
smahdiansari@gmail.com

## مقدمه

اعتماد<sup>۱</sup> و اعتمادسازی<sup>۲</sup> از جمله چالش‌هایی است که روابط بین‌الملل همواره با آن مواجه بوده است. با توجه به ماهیت قدرت در عرصه روابط بین‌الملل، چالش تصویر مسالمت‌آمیز داشتن از خود و دشمن دانستن دیگری، عامل اساسی در بی‌اعتمادی است. همین مسئله عاملی است که موجب شکل‌گیری شبکه‌های اعتماد<sup>۳</sup> در درون شبکه بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل است. به این معنا که تصویر مسالمت‌آمیز داشتن از دیگری موجب شکل‌گیری این شبکه‌ها می‌شود. شبکه‌های اعتماد در روابط بین‌الملل، روابط مستحکم بین بازیگران سطح نظام است که در آن منابع ارزشمند و سرمایه این بازیگران در معرض خطر قرار می‌گیرد (تیلی، ۱۳۹۰: ۳۸). در مجموع، آنچه بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل برای خود به عنوان منافع<sup>۴</sup> تعریف می‌کنند، در برخی مواقع منتج به تضاد منافع شده و موجب بی‌اعتمادی و شکل‌گیری صف‌بندی‌ها می‌شود و در مقابل منافع مشترک زمینه را برای تشکیل شبکه اعتماد فراهم می‌کند.

مقصود از قدرت چیست؟ به دلیل عدم ظرفیت الگوهای سنتی قدرت، لاجرم نیازمند کاربست الگوی جدیدی در فهم پویایی سیاست جهانی را فراهم می‌کند که به آن الگوی کوانتومی قدرت<sup>۵</sup> گفته می‌شود. به تقلید از الگوی کوانتومی علوم اجتماعی ونت، دینامیک و پویایی<sup>۶</sup> درهم‌تنیدگی و فشردگی<sup>۷</sup>، خصلت دوگانه مادی - معنایی<sup>۸</sup> و عدم قطعیت<sup>۹</sup> از جمله مهم‌ترین

- 1- Trust
- 2- Trust-Building
- 3- Trust Network
- 4- Interest
- 5- Power Quantum Algorithm
- 6- Dynamics
- 7- Entanglement
- 8- Dual Material-Semantic Character
- 9- Uncertainty

ویژگی‌های قدرت در عصر حاضر است (Went, 2015). هر چند همچنان وجه غالب قدرت سلطه یکی بر دیگری به ویژه در حوزه مادی است، اما این نوع از ارتباط نشان داده است تأکید صرف به این بعد از قدرت به ایجاد شبکه اعتماد منسجم و مستحکم بین بازیگران منتهی نخواهد شد. در عوض آنچه موجب شکل‌گیری و استحکام شبکه‌های اعتماد می‌شود، تأکید بر فرآیند هم‌توان‌بخشی<sup>۱</sup> در ذیل قدرت رابطه‌ای<sup>۲</sup> است. قدرت رابطه‌ای به این دلیل که بر هم‌توان‌بخشی تأکید دارد و درهم‌تیدگی و پویایی و توجه به دو بعد مادی و معنایی و عدم قطعی بودن را در خود دارد، می‌تواند زمینه را برای اعتمادسازی فراهم کند. به عبارتی قدرت رابطه‌ای به عنوان شکل همکاری محور<sup>۳</sup> و هم‌افزایی قدرت<sup>۴</sup> دارای سه ویژگی محوری است: اول آنکه فعال<sup>۵</sup> و بین‌المللی و باز (نامحدود) است و رابطه یک منبع قدرت است؛ دوم آنکه خودخلاقیتی<sup>۶</sup> دارد؛ و از طریق به کارگیری افزایش می‌یابد. نهایتاً آنکه بر رابطه متقابل<sup>۷</sup> در دو بعد مادی و معنایی تأکید دارد و اشتراک‌پذیر<sup>۸</sup> است (Qin, 2005:259, 2005).

در کنار مفهوم قدرت رابطه‌ای مبنی بر تأکید آن بر روابط بازیگران با یکدیگر در مدیریت روابط بین‌الملل، جلوه دیگر آن، تعامل میان کارگزار و ساختار<sup>۹</sup> است. در عرصه روابط بین‌الملل، هنجارهای نظام و رفتار بازیگران متقابلاً بر هم اثر می‌گذارند. هنجارهای مشترک زمینه ظهور شبکه‌های اعتماد را فراهم می‌آورد و تقابل هنجارها، موجب شکل‌گیری شبکه‌های بی‌اعتمادی در سطح نظام می‌شود. به گونه‌ای که ما شاهد ظهور بلوک‌های متعدد قدرت در عرصه روابط بین‌الملل خواهیم بود.

با این همه، قدرت یک فرآیند دوسویه است و می‌تواند به شکل‌گیری و همبستگی متوازن و یا نامتوازن شبکه‌های اعتمادسازی منجر و نتیجه آن وابستگی متقابل متقارن و یا وابستگی متقابل نامتقارن خواهد بود. فراتر از ویژگی‌های ساختار و کارگزار و عوامل موقعیتی در نظام، قدرت توسط تعاملات با دیگران فعال و محدود می‌شود. روابط و ائتلاف‌هایی که ایجاد می‌شود، می‌توانند منبع اصلی حمایت، مشاوره، اطلاعات و منابع باشند. در این معنا، قدرت توانایی سازماندهی روابط

- 1- Co-empowerment
- 2- Relational Power
- 3- Mutual
- 4- Synergic
- 5- Active
- 6- Self-Creativity
- 7- Mutual
- 8- Sharable
- 9- Agent and Structure

برای حفظ فرایند هم‌توانمندی است. در همین راستا تعامل ساختار- کارگزار<sup>۱</sup> به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن اعتمادسازی در درون شبکه اعتماد است. در عین حال شبکه نظام بین‌الملل به عنوان شبکه غیریکپارچه، به دلیل تعارض یا عدم اشتراک ساختار- کارگزار زمینه تکثر شبکه‌ها را فراهم کرده است. در برخی مواقع شاهد شکل‌گیری شبکه‌های بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل هستیم. به عبارتی تعارض ساختار و کارگزار به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن شبکه‌های بی‌اعتمادی در درون شبکه است. این ارتباط منتج به اعتمادسازی یا بی‌اعتمادی و در نهایت شکل‌گیری شبکه اعتماد و شبکه‌های بی‌اعتمادی می‌شود.

مسئله این است که قدرت رابطه‌ای چگونه می‌تواند منجر به اعتمادسازی شود و ارتباط این دو چیست؟ در جهت پاسخ به این سوال، سوالات فرعی دیگری نیز ذهن پژوهشگران را به خود معطوف داشته که زمینه‌ساز پاسخ دقیق‌تر به سوال اصلی است. آیا هر نوع از شبکه منجر به شکل‌گیری قدرت رابطه‌ای متوازن<sup>۲</sup> و وابستگی متقابل متقارن<sup>۳</sup> می‌شود؟ ملاحظات اساسی در شبکه‌های اعتماد جهت تضمین بقای آن کدامند؟ ابزارهای اصلی جهت اعتمادسازی در روابط بین‌الملل و در نهایت اینکه موانع اساسی در برابر آن کدامند؟

قدرت رابطه‌ای به دلیل ماهیت دینامیک، با تأکید بر عوامل اساسی اشتراک‌پذیری<sup>۴</sup>، مبادله‌پذیری<sup>۵</sup>، تعامل متقابل فعال<sup>۶</sup> و خودخلاقیتی<sup>۷</sup> بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در درون شبکه اعتماد می‌شود. روش بررسی در این مقاله توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. در راستای تقویت فرضیه اصلی خود توجه به موارد تاریخی و نمونه‌های موفق شبکه‌های اعتماد و نحوه تعامل میان بازیگران دخیل در این شبکه‌ها، جایگاه قدرت رابطه‌ای بین بازیگران در درون این شبکه‌ها و نهایتاً عوامل بی‌اعتمادسازی که منجر به فروپاشی این شبکه‌ها می‌شوند را مورد توجه قرار می‌دهیم.

در این مقاله ضمن توجه به مفهوم اعتماد و بی‌اعتمادی<sup>۸</sup> به منظور

- 1- Agent- Structure Interaction
- 2- Balanced Relational Power
- 3- Symmetric Interdependence
- 4- Shareability
- 5- Exchangeability
- 6- Active Reciprocity
- 7- Self-activity
- 8- Mistrust

ایجاد یک بنیان نظری در زمینه اعتمادسازی بر مبنای قدرت رابطه‌ای، موضوعات مهم اعتمادسازی، تدابیر اعتمادساز و موانع اصلی اعتمادسازی بین بازیگران درگیر در قدرت رابطه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

## اعتمادسازی و بی‌اعتمادی

مفهوم اعتماد و اعتمادسازی در روابط بین‌الملل از جمله موضوعات جدید در علم روابط بین‌الملل هستند که منابع محدودی در مورد آنها به شکل علمی و نظام‌مند نگاشته شده است. تنها در دهه ۲۰۰۰ بود که محققان روابط بین‌الملل شروع به تحقیق در مورد چستی اعتماد به شکلی علمی و نظام‌مند کردند؛ اینکه چگونه می‌توان آن را مطالعه کرد و چگونه در روابط بین دولت‌ها عمل می‌کند. "اعتماد و بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل" اثر اندرو کید (Kydd, 2005) و کتاب "اعتمادسازی: غلبه بر بی‌اعتمادی در تعارضات بین‌المللی" اثر آرون هافمن (Hoffman, 2006) و مقاله "مفهوم‌سازی اعتماد در روابط بین‌الملل" اثر دیگر هافمن (Hoffman, 2002) آثار مهمی در توسعه نظریه اعتماد در روابط بین‌الملل بودند.

مفهوم اعتماد متضمن "تمایل به وابستگی به طرف دیگری با امنیت معقول بدون کنترل بر طرف دیگر است" (Falconew, 2006, 34) and Munindar and Tan). در همین زمینه یان روزیکا و وینسنت کیتینگ در مقاله خود با عنوان "جهانی شدن: پژوهش در مورد اعتماد و روابط بین‌الملل"، تقسیم‌بندی سه‌گانه روش نظریه‌پردازی در زمینه اعتماد در روابط بین‌الملل را پیشنهاد کردند. راه‌های مختلفی برای تعریف مفهوم اعتماد وجود دارد: می‌توان آن را به‌عنوان یک پدیده عقلانی، یک مکانیسم روان‌شناختی، یا به‌عنوان یک مفهوم سازه‌انگاران تعریف کرد که همین موضوع - روش‌های متفاوت و متنوع تعریف مفهوم اعتماد - بر معیارهای مورد نظر در اعتماد میان دولت‌ها تأثیر می‌گذارد.

اعتماد به عنوان یک پدیده عقلایی، خود را در قالب ریسک‌پذیری و در معنای منافع‌محوری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به عبارتی این موضوع در این رویکرد مورد توجه است که آیا یک اقدام منافع‌محور به نفع بازیگران هست یا خیر. همسو دیدن منافع نکته کلیدی در این نگرش است؛ به عبارتی در این رویکرد رفتار بازیگر دیگر برای اقدام متقابل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و معیاری برای اعتماد است. هاردین

- 1- Rational Process
- 2- Psychological Mechanism
- 3- Constructivist Concept

معتقد است "اعتماد، دادن اختیار به دیگری برای تأثیرگذاری بر منافع فرد است. اعتماد در این رویکرد در معرض خطری است که دیگری از قدرت اختیار سوء استفاده کند" (Hardin, 1993: 507). نگاه هرچومرج گونه به نظام بین‌الملل و فقدان سیستم‌های اجرایی مؤثر مانع بزرگ همکاری در این نگرش است. در این رویکرد تقلب، اطلاعات ناکافی و هزینه‌های بالای تبادلات عوامل اصلی احتیاط بین بازیگران هستند. انتقاد جدی بر اینکه اعتماد از طریق رویکرد عقلایی به شکلی کامل قابل احصاء است، موضوع هستی‌شناختی آن است که افراد را خودمختار، خودگرا و دارای تفکر استراتژیک متمرکز می‌داند (Rathbun, 2011: 247-248).

مفهوم اعتماد به عنوان یک مفهوم سازه‌انگاره، نقش قوانین و هویت‌هاست. نقطه تمرکز اصلی در این رویکرد این موضوع است که "دیگری آنچه را که درست است انجام داده است" (Hollis, 1998, 10). مطالعه اعتماد از منظر سازه‌انگاری به این معناست که تمرکز نه تنها بر معانی و تفاسیر مشترک، بلکه بر نحوه نمایش آنها در سیاست بین‌الملل در مورد اعتماد است. اساساً، برای اینکه اعتماد بین دو کنشگر منطقی ایجاد شود باید به بازیگر دیگر این برداشت نسبی را داشته باشد که همکاری توسط بازیگر دیگر به شکلی متقابل مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.



مفهوم اعتماد به عنوان یک پدیده روان‌شناختی بر احساساتی تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری را چه به صورت فردی یا جمعی شکل می‌دهند. باربر اعتماد را به عنوان یک حالت روانی<sup>۱</sup> بین دو یا چند بازیگر تعریف می‌کند که در آن انتظارات مثبت در مورد انگیزه‌ها و مقاصد<sup>۲</sup> آنها وجود دارد. باربر اعتماد را به عنوان انتظار عمومی از رفتار خوب از سوی دیگرانی که کنترلی بر آنها نداریم، توصیف می‌کند (Barber, 1983). به عقیده کید "اعتماد این باور است که طرف مقابل همکاری متقابل را به بهره‌برداری یک‌جانبه<sup>۳</sup> از همکاری ترجیح می‌دهد؛ در حالی که بی‌اعتمادی این باور است که طرف مقابل بهره‌برداری یک‌جانبه از همکاری را به دوجانبه بودن و جبران آن ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر، قابل اعتماد بودن، نسبت به یک بازیگر خاص و در یک زمینه خاص، ترجیح دادن برگرداندن نتایج همکاری آنها به جای بهره‌برداری یک‌جانبه از آن است" (Kydd, 2005: 6). این تعریف بیش از تعریف‌های دیگر می‌تواند در ارتباط با مقاله حاضر مورد توجه قرار گیرد. چراکه

سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، اعتمادسازی بر اساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

- 1- Interpretation
- 2- Psychological State
- 3- Motives and Intentions
- 4- Unilateral Exploitation

مفهوم قدرت رابطه‌ای را به نحوی مطلوب در خود منعکس می‌کند. در عین حال چند نکته اساسی در تعریف کید از اعتماد وجود دارد؛ اول اینکه به صراحت رابطه بین اعتماد و قابل اعتماد بودن را تعریف می‌کند. دوم اینکه اعتماد را منتج به یک اقدام معنادار دانسته و عکس‌العمل بازیگر دیگر را در آن دخیل می‌داند. سوم این موضوع که اعتماد زمینه‌ای است، یعنی بین بازیگران خاصی در زمینه خاصی اعمال می‌شود. در نهایت اینکه اعتماد یک عامل تعیین کننده میان امید (باور) به همکاری و بهره‌برداری یک‌جانبه است.

در مجموع باید عنوان کرد که در هر سه رویکرد مورد نظر نسبت به موضوع اعتماد، میتوان شاهد ارتباط بین بازیگران و توجه به قدرت رابطه‌ای بود. هر سه رویکردهای عقلایی، سازه‌انگاران و یا رواشناختی در درون خود با قدرت رابطه‌ای مرتبط هستند. این تعریف کید از اعتماد به جهت توجه به حوزه باور در کنار حوزه عملکردی، پیوند آن را با قدرت رابطه‌ای بیان می‌کند. به عبارتی زمانی که یک شبکه اعتماد بین بازیگران ایجاد می‌شود، بازیگران در پی اقدام معنادار در این شبکه و باور به یکدیگر در آن باقی خواهند ماند و مشارکت فعال خواهند داشت. در غیر اینصورت شبکه اعتماد دچار گسست شده و حتی عاملی در جهت نفوذ شبکه‌های بی‌اعتماد خواهد بود.

باید این نکته را نیز مورد توجه قرار داد که وقتی بحث از اعتماد در روابط بین‌الملل می‌شود، سطوح مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرند: اعتماد بین رهبران، اعتماد در چارچوب داخلی، اعتماد بین نهادها و ادارات دولتی و همچنین اعتماد به ساختار حکمرانی چندجانبه. در همین راستا، در هر یک از این روابط نگرش‌های متفاوت نسبت به اعتماد -عقلانی، سازه‌انگاران و روان‌شناختی- وجود داشته و با آنها در ارتباط است.

با این همه اعتماد از جمله مسائلی است که به دشواری قابل دسترسی است. در همین جهت مشکله اصلی اعتماد مبتنی بر چهار دلیل است. اول اینکه احتمال پیامدهای منفی، خطر یا عدم اطمینان همواره وجود دارد. دوم اعتماد با مقوله وابستگی متقابل گره خورده است. با این وابستگی بازیگران خود را در معرض آسیب قرار می‌دهند. سوم، موضوع اعتماد با امنیت نسبی پیوند عمیقی دارد که یک احساس عاطفی است و در روابط بین دولت‌ها هیچ‌گاه به امنیت مطلق تبدیل نمی‌شود؛ چرا که باید دوست و دشمن موقتی و منافع خودی دائمی تعریف شوند. نهایتاً اینکه اعتماد بر مبنای اعتماد شکل می‌گیرد و مبتنی بر بازدارندگی نیست (Munindar and Tan and Falcone, 2006: 35).

## قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

قدرت به عنوان یکی از مفاهیم پیچیده در روابط بین‌الملل یا به عنوان هدف نگریسته شده است و یا ابزاری برای دست‌یابی به سایر اهداف تعریف شده است. قدرت در ادبیات گذشته روابط بین‌الملل به معنای توانایی یک بازیگر در اجبار یا اقناع بازیگر دیگر یا کنترل محیط انسانی و غیر انسانی خلاصه می‌شد (Kinsella and Starr, Russett, 2006: 104). همچنین در همین راستا و در چارچوب سنتی سه رویکرد اصلی برای مشاهده و اندازه‌گیری قدرت وجود دارد: (۱) کنترل بر منابع، (۲) کنترل بر بازیگران، و (۳) کنترل بر رویدادها و نتایج (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۶).

از نیمه قرن نوزدهم قدرت رابطه‌ای مورد توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل قرار گرفت. بالدوین<sup>۱</sup> با نقد رویکرد سنتی به قدرت که آن را به عناصر قدرت ملی تقلیل داده آغاز و در مقابل مدعی است که برداشت رابطه‌ای، قدرت را به عنوان رابطه‌ای واقعی یا بالقوه در نظر می‌گیرد که در پی آن رفتار یکی باعث تغییر رفتار دیگری می‌شود. این رفتار شامل باورها، نگرش‌ها، ترجیحات، عقاید، انتظارات، عواطف و یا زمینه عمل است. قدرت در تعامل بازیگران شکل گرفته و آن را نمی‌توان دارایی یک بازیگر خاص دانست (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۹).

در نگاه بارنت و دوال، از چهار گونه قدرت وجود دارد: قهرآمیز<sup>۲</sup> نهادی<sup>۳</sup>، ساختاری<sup>۴</sup> و مولده<sup>۵</sup> (Kinsella and Starr, Russett, 2005: 43). هر یک از این انواع قدرت به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط هستند. همه به طور هم‌زمان عمل می‌کنند و با یکدیگر در تلاقی هستند. قدرت قهرآمیز که به کنترل یک سوژه توسط یک سوژه دیگر در تعاملات اجتماعی اشاره دارد. قدرت ساختاری شکل‌گیری سوژه‌ها در بافت و بستر اجتماع به گونه‌ای که آنان در رابطه مستقیم با یکدیگر قدرتمند می‌شوند. قدرت نهادی تعاملات اجتماعی گسترده که سوژه‌ها به طور غیرمستقیم یکدیگر را کنترل می‌کنند و در نهایت قدرت سازنده یا مولد که به ساخت متکثر سوگیری در نظام‌های معنایی و دلالت می‌پردازد. توجه این دو بر روابط اجتماعی به عنوان بستر شکل‌گیری و قوام رابطه قدرت محور، مؤید جلوه‌ای از قدرت رابطه‌ای است. در فضای تمرکز بر نظام معنایی و دلالت از نافذیت بیشتری برخوردار شده و قدرت به عنوان کالایی تولید شده در

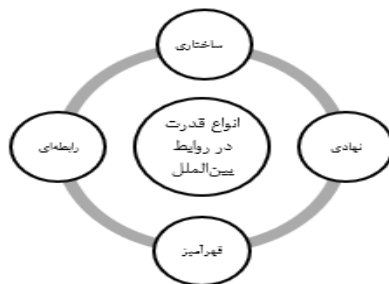


سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
اعتمادسازی  
براساس قدرت  
رابطه‌ای در روابط  
بین‌الملل

- 1- Baldwin
- 2- Compulsory Power
- 3- Institutional Power
- 4- Structural Power
- 5- Productive Power

بستر روابط اجتماعی است که تأثیراتی دارد که به بازیگران امکان تعیین شرایط خود را می‌دهد (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۹-۹۰).

در تقسیم‌بندی دیگری از نظر منبع قدرت میتوان آن را به سه گونه کارگزاری<sup>۱</sup>، ساختاری و رابطه‌ای<sup>۲</sup> تقسیم کرد. اگر منبع قدرت کارزار باشد، قدرت کارگزاری است که شامل قلمرو یک دولت-ملت، نیروهای نظامی، ثروت اقتصادی یا رهبری می‌شود. موضوعی که در ادبیات سنتی قدرت بیشتر نمایان بوده و بر توانایی کارگزار برای تأثیرگذاری بر نتایج یک رویداد و رفتار و شرایط دیگران تعریف می‌شود. در این چارچوب قدرت در روابط بین‌الملل به معنای "توانایی یک دولت برای کنترل، یا حداقل تأثیرگذاری بر دیگر دولت‌ها یا نتایج رویدادها است" (Griffith, 2006: 253) و (Callaghan, O and 2006). البته قدرت کارگزاری صرفاً به قدرت مادی محدود نمی‌شود و قدرت نرم یا غیر اجبارآمیز که مرتبط با ارزش است را دربر می‌گیرد (Nye, 2004: 5). توزیع توانایی‌ها یا ایده‌ها در نظام بین‌الملل یک موضوع ساختاری تلقی می‌شود که بر رفتار بازیگران تأثیر می‌گذارد.



"قدرت همواره وابسته به بستر است" (نای، ۱۳۹۳: ۱۷). ارتباط متقابل پدیده‌ها عامل اصلی تحول قدرت است. آنچه مقصود ما در این پژوهش است، قدرت رابطه‌ای به معنای روابط بین ساختار و کارگزار و به عبارتی تعامل ساختار-کارگزار به عنوان یک منبع مهم قدرت است. به عنوان مثال، وابستگی متقابل پیچیده<sup>۳</sup> به عنوان یک رابطه بین‌الذهانی، منبعی برای قدرت است (Qin, 2012: 273). هنگام اندازه‌گیری قدرت، عنصر قدرت متقابل و هم‌توان بخشی در رابطه ساختار-کارگزار عنصری است که نادیده گرفته شده است.

- 1- Agential Power
- 2- Relational Power
- 3- Complex Interdependence

امروزه قدرت با عنوان تأثیرگذاری متقابل ۱ یا روابط بین بازیگران به عنوان یک منبع قدرت معرفی می‌شود که با مفهوم قدرت رابطه‌ای تناسب دارد. این تغییر در نتیجه یک عامل اساسی رخ داد: تغییرات فراتکنولوژیکی در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی که بازیگران را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرد. این نزدیکی هم به عنوان فرصت و هم به عنوان تهدید بروز کرد. در نتیجه این تغییر، بازیگران در عرصه بین‌الملل به سوی تشکیل شبکه‌های اعتماد رفتند که نمونه آن در شرایط امروزی سازمان‌های متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی در ماهیت نظامی-امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مذهبی هستند.

در عین حال تغییرات تکنولوژیکی از طریق شتاب در تغییرات نهادی-بنیادی، تعاملات روابط بین‌الملل، تغییر مفاهیم در روابط بین‌الملل و تقویت افکار عمومی بر قدرت تأثیر گذاشته‌اند. در نتیجه ما شاهد ظهور انواع مختلفی از قدرت در روابط بین‌الملل هستیم. قدرت اجتماعی<sup>۲</sup>، قدرت معنایی، قدرت فرهنگی، قدرت نرم<sup>۳</sup> و هوشمند<sup>۴</sup> از جمله این موارد است.

قدرت رابطه‌ای با اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، خودخلاقیتی و فعال بودن شناخته می‌شود؛ بر خلاف قدرت ساختاری یا کارگزاری، قدرت رابطه‌ای مبتنی بر تعامل ساختار-کارگزار بوده و در نتیجه هم‌نوایی دوجانبه یا چندجانبه در درون شبکه‌های اعتماد افزایش می‌یابد. قدرت رابطه‌ای وجوهی از قدرت مادی و غیرمادی است که می‌تواند وجوه مختلفی از جمله باتولید قدرت در ساختارها را دربرگیرد. مهم‌ترین مفهوم در قدرت رابطه‌ای مفهوم "هم‌توانبخشی"<sup>۵</sup> است. دو یا تعدادی از بازیگران در درون یک شبکه اعتماد قرار گرفته و عنصر هم‌توانبخشی عاملی اساسی در حفظ این شبکه است. در غیر اینصورت شاهد تزلزل و فروپاشی شبکه اعتماد خواهیم بود؛ در عین اینکه بازسازی و بازتوانبخشی<sup>۶</sup> شبکه اعتماد متزلزل نیز ممکن است.

قدرت رابطه‌ای ضمن توجه به بعد مادی در روابط میان بازیگران، هنجارها و الگوهای جاری میان آنها را مد نظر دارد. برخلاف نظری‌های سنتی و مدرن که نگاهی تقلیل‌گرایانه به مفهوم قدرت دارند، در چارچوب قدرت رابطه‌ای ما با الگوی کوانتومی قدرت مواجه هستیم که دو بعد

- 1- Mutual Efficacy
- 2- Social Power
- 3- Soft Power
- 4- Smart Power
- 5- Co-empowering
- 6- Rehabilitation

قدرت مادی و معنایی و تعامل متقابل آنها را در نظر دارد.

## اعتمادسازی براساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، خودخلاقیتی و در مجموع باز و نامحدود بودن و افزایش از طریق بهره‌برداری از جمله اصولی است که قدرت رابطه‌ای از طریق آن بر اعتمادسازی یاری می‌رساند. لاجرم زمانی که از قدرت رابطه‌ای صحبت می‌شود، از نوعی شبکه به هم پیوسته سخن به میان می‌آید که بازیگران در تلاشند اعتماد دیگری را جلب و استحکام بخشند. در کنار این یکی از ویژگی‌های اساسی قدرت رابطه‌ای توازن یا احساس مشترک<sup>۱</sup> در این رابطه است. ممکن است در درون شبکه‌های اعتماد بازیگران با یکدیگر تبادل داده‌ها یا منافع را داشته باشند؛ اما این ارتباط می‌تواند در سطحی نامتوازن قرار داشته باشد.

در راستای تقویت پایستگی<sup>۲</sup> در شبکه اعتماد، سه شرط اساسی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند: اول جستجوی جمعی برای اطلاعات و طبقه‌بندی داده‌ها که تلاش همه‌جانبه در درون شبکه اعتماد را می‌طلبد؛ دوم دانش و استعداد بازیگران درگیر در شبکه اعتماد است که نیازمند نهادسازی در درون شبکه اعتماد است؛ و سوم انطباق فرایند پایستگی است که تعامل میان بازیگران را تسهیل کرده و ساختار جریان اطلاعات را از پیچیدگی خارج می‌کند. مشخص است که هر سه عامل بر نوعی رابطه و فرایند هم‌توان‌بخش تأکید دارند. ابزارهایی که در ذیل قدرت رابطه‌ای در راستای اعتمادسازی به کار گرفته می‌شوند.

در عین حال، پیچیدگی‌هایی در فرایند پایستگی در درون شبکه اعتماد وجود دارد که می‌توان آنها را اینگونه بیان کرد: عدم تشخیص نوع ارتباط از جهت افقی<sup>۳</sup> یا عمودی بودن<sup>۴</sup> در درون شبکه؛ برای نمونه شبکه اعتماد امنیتی با شبکه اعتماد بهداشتی دو نوع ارتباط را نشان می‌دهد که در مورد اول عمودی و در مورد دوم ارتباط بین بازیگران افقی است. البته به دلیل ماهیت بی‌سری<sup>۵</sup> در نظام بین‌الملل این نوع ارتباط بیش‌تر مورد نظر است. اما در شبکه‌های اعتماد سلسله‌مراتبی<sup>۶</sup>، وضعیت متفاوت است. مشکل دوم عدم تمایل به همکاری و رقابت درونی بازیگران دخیل در شبکه به جای تأکید بر پروژه هم‌توانبخشی است. رقابت برای تأثیرگذاری بیشتر

- 1- Common Sense
- 2- Stickiness
- 3- Horizontal
- 4- Vertical
- 5- Anarchical System
- 6- Hierarchy Trust Network



یا عدم اشتراک مناسب داده‌ها بین بازیگران از جمله این نوع از مسئله است. مشکل سوم انطباق یا تضاد بیش از حد میان بازیگران دخیل در شبکه اعتماد است. همراهی با دیگران بدون نقد آراء یا اختلافات غیر اصولی و فراواقعیت بین بازیگران زمینه فروپاشی شبکه اعتماد است. بازیگران دخیل در شبکه اعتماد منافعی را از این شبکه دریافت می‌کنند که اگر آنها با تعارض مواجه شوند، از شبکه خارج خواهند شد.

اینکه بازیگران به چه دلیلی همچنان در این شبکه باقی می‌مانند، صرفاً مربوط به منافع موقتی است که حاصل می‌شود؛ اما آنچه می‌تواند موجب تحکیم رابطه بازیگران درون شبکه شده و شبکه را حفظ کند، ارتباط متوازن<sup>۱</sup> یا حداقل فرض تعادل<sup>۲</sup> در این ارتباط است که قدرت رابطه‌ای در روابط میان بازیگران بر آن مبتنی است. بنابراین یکی از اصول اساسی در قدرت رابطه‌ای که می‌تواند اعتمادسازی را تسهیل کرده و به بقای شبکه اعتماد کمک کند، ارتباط واقعی متوازن و یا فرض تعادل است<sup>۳</sup>. نکته اساسی دیگر در این رابطه، استمرار<sup>۴</sup> در ارتباط متوازن است. تعامل باید استمرار داشته باشد تا نتیجه دهد. همتایان را باید در کشورهای هدف پیدا کرد. در کنار یک روابط خوب سیاسی با تک تک شرکای خارجی، باید اعتمادسازی نزد همه عوامل تأثیرگذار را به وجود آورد. هم چنین لازم است دولت‌ها ظرفیت نهادی برای اجرای توافقات را فراهم نمایند.

اعتماد را می‌توان از طریق گفتگو شکل داد؛ اما همواره خطر سوء تفاهم و احتمال فریب دادن عامدانه دیگری با کلمات وجود دارد. اقدامات نیز در محیط خصمانه می‌تواند مورد تفسیر اشتباه قرار گیرد. به همین جهت اعتمادسازی در مورد اقدامات نیازمند تلاش و پایداری در دست‌یابی به هدف و تداوم کاربرد تدابیر مورد نیاز است. تدابیر اعتمادسازی به دلیل اینکه بر قدرت رابطه‌ای تأکید دارند و از طریق قدرت رابطه‌ای منجر به اعتمادسازی می‌شود، مورد توجه هستند.

امروزه سازمان ملل از این مفهوم، استفاده گسترده‌تری می‌کند و به تدابیر اعتمادسازی غیرنظامی نیز می‌پردازد و این مفهوم را مشتمل بر اقداماتی که با هدف کاهش یا حذف ریشه‌های بی‌اعتمادی، ترس،

#### 1- Balanced Relationship

#### 2- Balancing Assumption

۳- . متوازن بودن رابطه به معنای یکسان بودن قدرت نبوده، بلکه ارتباط متقابل مؤثر در جنبه‌های مختلف قدرت را دربر می‌گیرد. بازیگران مختلف در عرصه روابط بین‌الملل، در عرصه‌های مختلف با برقراری تعادل در رابطه، به ارتباط مؤثر بین خود ادامه می‌دهند.

#### 4- Continuity

تنش و خصومت بین دولت‌های مدرن اتخاذ می‌شود، می‌داند. به طور کلی این تدابیر شامل عمل متقابل در حوزه عملیاتی<sup>۱</sup> و کلامی<sup>۲</sup> ارسال نشانه‌های<sup>۳</sup> اعتمادساز، دینامیک‌های ارتباطات بین فردی<sup>۴</sup> هستند (Wheel-er, 2012: 7). تأکید این بازوی اداری نهادهای بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت عناصر غیرمادی قدرت در تعامل میان کارگزاران با هنجارها است. خاطر نشان می‌شود که تعامل میان ساختار-کارگزار (نهادهای سازمان ملل در کنار نقش آفرینی بازیگران) عامل تداوم قدرت رابطه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این مورد، ارتباطات راهبردی میان کشورها و تنظیم موافقت‌نامه‌های امنیتی است. این مورد زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که بازیگران دخیل برداشت کنند که دو کشور در حال تقویت یکدیگر هستند. از جمله در شرایط جنگی، ارتباطات نظامی و نقل و انتقالات سلاح بین این بازیگران نمونه بارزی از یک شبکه امنیتی دارای میزان بالایی از اعتماد است. تدابیر اعتمادساز جهت شکل‌گیری شبکه اعتماد به عنوان یکی از راه‌های اصلی در جهت ورود به فرایند قدرت رابطه‌ای است. هر چند این تدابیر برای استفاده در سطح جهانی توسعه یافته است، اما مفهوم تدابیر اعتمادساز، ابزاری سیاسی-نظامی در خدمت دیپلماسی و دارای ریشه در محیط سیاسی اروپا بوده است. در دوران جنگ سرد، تدابیر اعتمادساز با هدف پیش‌گیری از تهاجم ناگهانی، غیرمنتظره و گسترده نظامی یکی از طرف‌ها شرق یا غرب و تقویت ثبات به کار برده شد. بعد از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ نیاز به اعتمادسازی بین طرف‌ها آشکارتر شد. در قاره اروپا سازمان امنیت و همکاری اروپا<sup>۵</sup> نقش محوری در ابتکارهای اعتمادساز از طریق سند نهایی هلسینکی<sup>۶</sup> در سال ۱۹۷۵ ایفا کرد. این سند، نمونه مشخصی از تدابیر اعتمادساز است. همچنین فعالیت‌های چین در تاسیس کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا<sup>۷</sup> نمونه دیگر فعالیت نهادی در حوزه اعتمادسازی است.

همچنین در یک تقسیم‌بندی کلی تدابیر اعتمادساز نهادی مشتمل بر شش مورد است؛ آنچه در مورد این تدابیر اهمیت دارد، تعامل متوازن ساختار- کارگزار است.



سال سوم، شماره ۲، پاییزی ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
اعتمادسازی  
بر اساس قدرت  
رابطه‌ای در روابط  
بین‌الملل

- 1- Operative
- 2- Verbal
- 3- Signal
- 4- Interpersonal Communicative Dynamics
- 5- [Organization for Security and Co-operation in Europe](#)
- 6- Helsinki Final Act
- 7- Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

الف) تدابیر اعتمادساز سیاسی<sup>۱</sup>: هدف راهبردی این دسته از تدابیر، شکل‌گیری اعتماد بین طرف‌ها به منظور یافتن راه‌حل‌های سیاسی برای یک اختلاف یا منازعه است تا طرف‌ها بتوانند تمرکز بیشتری بر مذاکرات روند صلح و سازش داشته باشند یا چشم‌انداز سیاسی گسترده‌ای را ترسیم کنند (زنگنه، ۱۳۹۷). میانجیگری دبیر کل سازمان ملل متحد، خاویر پرز دکوئیاریا<sup>۲</sup>، در جنگ ایران و عراق از جمله این مورد است. مهمترین نمود تدابیر اعتمادساز سیاسی، مسئله شناسایی یک دولت و گشایش مرادفات دیپلماتیک و یا بازگشایی سفارتخانه است. در عین حال، در شرایط امروزی هم می‌توان به تلاش‌های دیپلماتیک برخی از کشورها از جمله قطر و چین و دبیر کل سازمان ملل متحد جهت اعتمادسازی در رابطه با برنامه جامع اقدام مشترک<sup>۳</sup> اشاره کرد. زمانی که برخی از کشورهای از جمله چین و روسیه نسبت به اعلام حمایت از برنامه جامع اقدام مشترک و مسئول دانستن ایالات متحده آمریکا اعلام مواضع می‌کنند، از تدابیر اعتمادساز سیاسی بهره می‌گیرند. همچنین بکارگیری نیروهای صلح سازمان ملل متحد در مناطق جنگی صلح‌سازی<sup>۴</sup>، برقراری روابط دیپلماتیک، اعلامیه‌ها و تلاش‌های دیپلماتیک از جمله تدابیر سیاسی هستند که در چارچوب قدرت رابطه‌ای به ابزاری برای اعتمادسازی تبدیل می‌شوند. هدف اصلی این دسته از تدابیر، شکل‌گیری اعتماد بین طرف‌ها به منظور یافتن راه‌حل‌های سیاسی برای یک اختلاف یا منازعه است تا طرف‌ها بتوانند تمرکز بیشتری بر مذاکرات روند صلح و سازش داشته باشند یا چشم‌انداز سیاسی گسترده‌ای را ترسیم کنند.

ب) تدابیر اعتمادساز امنیتی<sup>۵</sup>: هدف این دسته از تدابیر، مشخص کردن تفاوت بین رفتارهای با نیت تهاجمی و فعالیت‌های نظامی عادی، به منظور اجتناب از وخامت ناخواسته اوضاع است (زنگنه، ۱۳۹۷). برخی از رفتارها در حوزه نظامی و امنیتی از جمله افزایش تعداد نیروها و برگزاری مانور نظامی در مرز کشورها می‌تواند به عنوان تهدید برداشت شود؛ اینگونه اقدامات می‌تواند منجر بی‌اعتمادی شده و شبکه اعتماد موجود را با خطر مواجه کند. این بی‌اعتمادی می‌تواند به سطحی برسد که منجر به شکل‌گیری شبکه بی‌اعتمادی و رقیب شود. در مقابل برقراری روابط امنیتی از جمله موافقت‌نامه‌های امنیتی در سطوح راهبردی خود عاملی به عنوان اعتمادسازی است. موافقت‌نامه امنیتی چندجانبه بین کشورهای عضو

- 1- Political Trust-Building Measures
- 2- Javier Felipe Ricardo Pérez de Cuéllar
- 3- Joint Comprehensive Plan of Action
- 4- Peace-building
- 5- Security Trust-Building Measures

سازمان همکاری شانگهای، موافقنامه امنیتی هلسینکی میان کشورهای اروپایی، جامعه امنیتی اروپا و همچنین موافقتنامه‌های دوجانبه میان آلمان و شوروی در خلال جنگ دوم جهانی (که بعدها توسط هیتلر زیر پا گذاشته شد)، ژاپن و ایالات متحده آمریکا و موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان یا توافقنامه دوحه از جمله این تدابیر هستند. در عین حال همکاری‌های سایبری نیز از نمونه‌های جدید تدابیر اعتمادساز بین کشورها هستند.

ج) تدابیر اعتمادساز اقتصادی<sup>۱</sup>: این گروه از تدابیر، بر تلاش‌های اقتصادی مشترک تمرکز دارند. گشودن مسیرهای تجارت می‌تواند موجب کاهش تنش و بهره‌مندی طرف‌ها شود و اغلب به عنوان اولین گام در همکاری بین طرف‌های دچار اختلاف و منازعه در نظر گرفته می‌شود. این تدابیر می‌تواند دولت‌ها و جوامع را از طریق همکاری اقتصادی با یک دیگر پیوند دهد و موانع بی‌اعتمادی را رفع کند. در جهان پر رقابت امروزی، عوامل اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در تعیین روابط اقتصادی بین دولت‌ها و جوامع ایفا کند. به ویژه آن که وابستگی متقابل اقتصادی می‌تواند روابط نزدیک و مفید را تحکیم بخشد. بازیگرانی که وارد چنین روابطی می‌شوند به ندرت رفاه اقتصادی خود را به مخاطره می‌اندازند. تجارت فرامرزی همچنین بنیانی را برای گفتگو و همکاری در جهت حل مشکلات فراتر از حوزه اقتصادی فراهم می‌کند. تأکید بر راههای ارتباطی بین‌المللی تجاری مانند یک کمربند- یک جاده از طرف چین که کشورهای متعددی را در بر گرفته است، از نمونه‌های تدابیر اعتمادساز بین‌المللی است. همچنین سازمان‌های چندجانبه همچون بانک جهانی<sup>۲</sup> یا سازمان تجارت جهانی<sup>۳</sup>، سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه<sup>۴</sup> نمونه‌های نهادی تدابیر اعتمادساز اقتصادی هستند که بر قدرت رابطه‌ای تأکید دارند.

د) تدابیر اعتمادساز محیط زیستی<sup>۵</sup>: این گروه از تدابیر، بر فعالیت‌های مرتبط با مدیریت منابع مشترک و چالش‌های محیط زیستی تمرکز می‌کنند. می‌تواند شامل برنامه‌ریزی مبتنی بر همکاری و واکنش‌های مشترک به بلایای طبیعی و انسانی یا مدیریت منابع طبیعی مشترک باشد. تدابیری که تمرکز فرامرزی دارند، اگر وابستگی متقابل را در نظر داشته باشند و انگیزه‌های مشخصی برای همکاری ارائه دهند، می‌توانند کارکرد

- 1- Economic Trust-Building Measures
- 2- World Bank
- 3- World Trade Organization
- 4- Asia-Pacific Economic Cooperation
- 5- Environmental Trust-Building Measures

اعتمادسازی داشته باشند. تأکید بر قواعد تنظیمی توسعه پایدار در برنامه محیط زیست ملل متحد، توافقنامه پاریس، توکیو و دیگر توافق‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی زمینه اعتمادسازی را فراهم می‌کنند.

ه) تدابیر اعتمادساز اجتماعی و بشردوستانه<sup>۱</sup>: چنین تدابیری، به افراد تحت تأثیر کمک می‌کند و نشانه‌ای برای قصد تغییر وضعیت موجود است. این تدابیر مشتمل بر شبکه گفتگوها و فعالیت‌های مردمی و پروژه‌های مشترکی می‌شود که توانایی شکل‌دهی به فهم و سازش متقابل را دارند. گفتگو بین نخبگان و روزنامه‌نگاران، پروژه‌های نگارش کتاب یا مقاله مشترک، کنفرانس‌های آکادمیک، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، تبادل استاد و دانشجو، تعامل بین گروه‌های مختلف جوامع مدنی، توافق در مورد عبور شهروندان از مرز، ارتقای تسهیلات سفر اتباع کشورهای دیگر، گشایش مرزها، خدمات حمل و نقل بین قلمروهای دو کشور و برقراری و گسترش زیرساخت‌های ارتباطاتی از جمله نمونه‌های چنین تدابیری است. دیپلماسی ماسک، نیم‌افراشته کردن پرچم، کمک‌های بشردوستانه بین دولت‌ها یا حضور فیزیکی در این راستا از جمله دیگر موارد است. ارسال کمک‌های بشردوستانه چین به کشور جمهوری اسلامی ایران و یا بالعکس در دوره شیوع کرونا یا نیم‌افراشته کردن پرچم کشور در سرتاسر آمریکا به دلیل ترور آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن نمونه‌های این نوع از تدابیر است (Das, 2022).

و) تدابیر اعتمادساز فرهنگی<sup>۲</sup>: هدف این گونه تدابیر، نمایش توجه حکومت‌ها به فرهنگ‌ها و رسوم سنتی است. چنین تدابیری بر خودداری از قوانین سرکوب‌کننده زبان‌ها یا مذاهب، احترام به رهبران فرهنگی و رسوم محلی، حساسیت به حفظ یادبودهای مورد توجه گروه‌های قومی و مذهبی مشتمل هستند. ارتباطات دانشگاهی، برگزاری هفته‌های فرهنگی و جشنواره‌های بین‌المللی از جمله ابزارهای تدابیر اعتمادساز فرهنگی مبتنی بر قدرت رابطه‌ای هستند. در عین حال به کارگیری یونسکو به عنوان یک کرسی چندجانبه بین‌المللی به منظور گفت‌وگوی تمدن‌ها و ادیان زمینه را در جلوگیری از برخورد تمدنی هانتینگتون<sup>۳</sup> (Huntington, 1997) فراهم کرده و با تأکید بر رابطه و قدرت رابطه‌ای می‌تواند منجر به اعتمادسازی بین گروه‌های فرهنگی و دینی متفاوت شود.

در مجموع باید ارتباط بین تدابیر در حوزه‌های مختلف را در نظر

- 1- United Nations Environment Program
- 2- Social and Humanitarian Trust-Building Measures
- 3- Cultural Trust-Building Measures
- 4- Clash of Civilizations

داشت و این که اعتمادسازی در یک بخش بر عادی شدن شرایط در بخش دیگر نیز اثرگذار است. این تدابیر می‌توانند به ارتقاء ثبات و اعتماد کمک می‌کنند.

بازیگران در زمان ورود به یک رابطه، معیارهای قدرت و بازیگر دیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ارزیابی در سطوح مختلف قدرت یعنی قدرت اقتصادی<sup>۱</sup>، قدرت نظامی<sup>۲</sup>، قدرت اجتماعی<sup>۳</sup>، قدرت نرم<sup>۴</sup> و قدرت هوشمندانه انجام می‌گیرد که هر کدام با معیارهای ویژه‌ای سنجیده می‌شوند. به عنوان مثال قدرت اقتصادی با میزان تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، میزان سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، میزان شرکا و توانمندی آنها و میزان تسلط به بازارهای جهانی سنجیده می‌شود. همچنین قدرت نظامی با اجزای قدرت نظامی شامل تعداد لشکر، تسلیحات، سازمان نظامی، آموزش، تجهیزات، آمادگی نیروها و روحیه سنجیده می‌شود.

یکی از ملزومات اساسی که از طریق آن قدرت رابطه‌ای می‌تواند منجر به اعتمادسازی شده و یا شبکه‌های اعتماد را تحکیم ببخشد، هم‌توان‌بخشی است. به این معنا که بازیگران فعال در شبکه این برداشت را داشته باشند که بازیگر دیگر در حال تقویت قدرت آن است و در عین حال برای قدرت‌های دیگر درگیر در شبکه این احساس را ایجاد می‌کند (Jervis, 1976). برداشت یا ادراک از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در فرآیند اعتمادسازی و هم‌توان‌بخشی مورد تأکید در قدرت رابطه‌ای است. بدون برداشت درست از نیت بازیگر دیگر اقدام جهت اعتمادسازی معنایی نخواهد داشت.

در عین اینکه فرآیند هم‌توان‌بخشی در این ارتباط به چشم می‌خورد. مهم‌ترین مقوله در ارتباط میان اعتماد سازی و قدرت رابطه‌ای را باید در همین موضوع جستجو کرد. قدرت رابطه‌ای به این دلیل که بر هم‌توان‌بخشی تأکید می‌کند، عامل اصلی در اعتمادسازی و استحکام شبکه‌های اعتماد است. در عین حال برخی بزنگاه‌های تاریخی زمینه را برای شکل‌گیری و یا تقویت این شبکه‌ها فراهم می‌کند.

شبکه امنیتی دسته‌جمعی ۶ اروپا و آمریکا در قالب ناتو مثال بارز

- 1- Economic Power
- 2- Military Power
- 3- Social Power
- 4- Soft Power
- 5- Smart power
- 6- Collective Security Network

این مقوله است. با شروع جنگ اوکراین و شکل‌گیری دو بلوک در این جنگ، شاهد تقویت ناتو و شکل‌گیری شبکه اعتماد بین بازیگران در بلوک غرب هستیم. ریشه این مسئله را می‌توان اجماع بر سر مقابله با قدرت چالشگر نظم بین‌المللی بیان کرد. قدرتی که نسبت به موقعیت ژئوپلیتیکی خود احساس خطر کرده و به کشور همسایه و کشوری که در آستانه عضویت در شبکه اعتمادی قرار داشت که تهدیدی علیه روسیه بود، حمله نظامی کرده است. با این همه حمله روسیه به اوکراین یک بزنگاه تاریخی برای استحکام شبکه اعتماد بین بازیگران دخیل در این جنگ است. کشورهای غربی با ارسال تسلیحات و کمک‌های گوناگون به اوکراین و به یکدیگر به دنبال هم‌توان‌بخشی و تحکیم شبکه اعتماد در قالب شبکه اعتماد ناتو هستند. این در حالی است که پیش از این به دلیل اقدامات ترامپ، ناتو توان خود را تا حدود زیادی از دست داده و به دلیل بیان خروج از ناتو این شبکه اعتماد را متزلزل کرده بود.

### موانع اصلی اعتمادسازی در قدرت رابطه‌ای

در کنار راهکارهای اعتمادسازی بین کارگزاران فعال در درون ساختار، محدودیت‌ها و موانعی وجود دارند که ممکن است قدرت رابطه‌ای و تعامل فعال میان ساختار-کارگزار را تحت تأثیر غیرسازنده قرار داده و منجر به شکل‌گیری شبکه‌های بی‌اعتمادی شوند. این موانع عبارتند از:

الف) معمای امنیتی<sup>۱</sup>: در پارادایم واقع‌گرایی، اعتماد یا بهتر است بگوییم فقدان اجتناب‌ناپذیر آن بین دولت‌ها، همیشه نتیجه منطق بدیهی نظام بین‌الملل و معمای امنیتی است. از این منظر، معمای امنیتی مهم‌ترین مانعی است که بازیگران در اعتمادسازی با آن مواجه هستند. این نظریه متعارف اعتباری برای اعتماد به دلیل وجود یک سیستم خودیاری آنارشیک در نظام بین‌الملل قائل نیست؛ جایی که دولت‌های دارای منافع شخصی در غیاب یک مکانیسم اجرایی متمرکز به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی هستند. جان هرتز به عنوان فردی که این نظریه را معرفی کرد، این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند (Herz, 1950). از آنجایی

۱- دلایل متعددی برای حمله روسیه به اوکراین مطرح می‌شود. اول و مهم‌تر از همه تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و تهدید ژئوپلیتیکی روسیه در برابر آن نهاد. دوم ترس روسیه از موج دموکراسی‌خواهی به سمت شرق و تهدید امنیت هستی‌شناسی روسیه. سوم تلاش روسیه برای تقابل با غرب و هژمونی لیبرال دموکراسی و احیای وجهه امپراتوری شوری؛ چهارم به دلایلی که مربوط به شخص رهبران می‌شود و به دنبال باقی گذاشتن میراثی از خود در تاریخ هستند و در نهایت به دلایل ژئوپلیتیکی و حساسیت دسترسی روسیه به آسیای میانه.

## 2- Security Dilemma

که هیچ‌کس نمی‌تواند در چنین دنیایی از واحدهای رقیب احساس امنیت کامل کند، رقابت قدرت رخ می‌دهد و دور باطل امنیت و انباشت قدرت در جریان است. در همین راستا باترفیلد معتقد بود که جنگ سرد به دلیل عدم اعتماد و اطمینان طرف‌ها به یکدیگر آن وضعیت را ایجاد کرده بود (Butterfield, 1951: 21). به اعتقاد رابرت جرویس<sup>۱</sup> معضل امنیتی زمانی به وجود می‌آید که دولت‌ها اقداماتی را انجام می‌دهند تا خود را ایمن کنند، اما در نهایت بازیگران دیگر را ناامن می‌کنند (Jervi, 1978: 66). معضل امنیتی ممکن است به عنوان عدم اطمینان اجتناب‌ناپذیر توسط دولت‌ها در مورد نیات کسانی که قابلیت و توانایی ضربه و آسیب به آنها را دارند، تعریف شود (Wheeler and Boot, 2008: 5).

این موضوع زمانی مطرح می‌شود که دولت‌ها اقداماتی برای تأمین امنیت خود انجام دهند، اما این اقدامات باعث شود دیگر بازیگران احساس ناامنی کنند. معمای امنیت، موجب معضل تفسیر و معضل واکنش می‌شود. افراد مسئول سیاست‌های امنیتی باید تصمیم بگیرند که آیا اقدامات بازیگر مقابل به ویژه رفتارهای نظامی آن - دارای ماهیت صرفاً دفاعی است یا مقاصد تهاجمی نیز دارند. مرحله بعد این است که تصمیم‌گیران مشخص سازند که چگونه واکنش نشان دهند. اگر معما واکنش مبتنی بر بدگمانی نابجا در مورد انگیزه‌ها و مقاصد دیگر بازیگران باشد و تصمیم‌گیران واکنش نظامی داشته باشند، خطر شکل‌گیری سطح قابل توجهی از خصومت متقابل وجود خواهد داشت؛ یا اگر واکنش مبتنی بر اعتماد نابجا باشد، خطر آسیب‌پذیری در مقابل اجبار طرف مقابل با مقاصد خصمانه شکل خواهد گرفت. حتی اگر دولت‌ها در مورد مقاصد فعلی دیگران اطمینان داشته باشند، تضمینی در مورد توسعه مقاصد تهاجمی در آینده وجود ندارد (Wheeler, 2012: 3).

عنصر بدگمانی مهم‌ترین عنصری است که بر شبکه‌های اعتماد ضربه وارد می‌کند و در نتیجه بازیگران به جای موضوع هم‌توان‌بخشی به سوی رقابت قدرت و رقابت تسلیحاتی حرکت می‌کنند. نتیجه این مسئله نیز بی‌اعتمادی و دوری از شکل‌گیری شبکه اعتماد است. مسئله‌ای که منطقه خاورمیانه را نیز درگیر خود کرده است.

ب) تصویر دفاعی و مسالمت‌آمیز داشتن از خود<sup>۲</sup>

طبیعی است که همه کشورها نسبت به فعالیت‌های خود نگرشی مثبت و مسالمت‌آمیز دارند. کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، این تسلیحات

1- Robert Jervis

2- Peaceful or Defensive Self-images

را برای دفاع از خود و نظم بین‌المللی می‌دانند و دیگران را به ممنوعیت دسترسی به آنها هدایت می‌کنند. روسیه حمله به اکراین را به دلیل حرکت ناتو به سمت شرق و تهدید موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خود می‌داند و ایالات متحده که روزی اکراین را به سمت خلع سلاح برد، هم‌اکنون اقدام روسیه را نقض حاکمیت سرزمینی اکراین و در خطر بودن نظم بین‌المللی می‌نامد. صدور اعلامیه‌ها در راستای محکومیت دیگران در روابط دوجانبه یا استفاده از نهادهای چندجانبه -از جمله مجمع عمومی سازمان ملل یا شورای جهانی حقوق بشر- در محکومیت بازیگر دیگر از نمونه‌های بارزی است که مانعی در برابر اعتمادسازی است.

### پ) نمادگرایی مبهم<sup>۱</sup>

این مفهوم به پیچیدگی تمایز بین تسلیحات تهاجمی و تدافعی اشاره دارد. حتی اگر دولت‌ها مدعی شوند که تسلیحات آن‌ها تنها برای دفاع از خود به کار برده می‌شود، دیگران این نگرانی را دارند که چنین قابلیت‌هایی ممکن است با هدف تهاجمی استفاده شوند. این مسأله در رابطه با ویژگی کاربری دو گانه فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای نیز مطرح می‌شود (Wheeler and Boot, 2008: 154). شبکه‌های اعتماد زمینه کاهش بی‌اعتمادی را فراهم و تعامل میان ساختار- کارگزار را افزایش خواهد داد.

### ت) بنیادگرایی ایدئولوژیک<sup>۲</sup>

بنیادگرایی ایدئولوژیک ذهنیتی است که موقعیت دشمن را بر اساس هویت سیاسی تعیین کرده و سیاست‌های اعمالی طرف مقابل از اهمیت کمتری برخوردار است. مشکل اینجاست که به دلیل معمای امنیتی، مشخص نیست که آیا رفتار خصمانه دیگران به دلیل ترس آنهاست یا اینکه نیت تهاجمی دارند. در همین راستا ادعاهایی که در زمینه ارتباط میان هند و پاکستان و جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مطرح می‌شود، بیشتر جنبه ایدئولوژیک دارند (Wheeler, 2012: 5).

### ث) ساختارهای غیردموکراتیک<sup>۳</sup>

این موضوع از بحث‌های ایمانوئل کانت برگرفته شده است. کانت معتقد است کشورهایی که فرهنگ سیاسی دموکراتیک و ساختارهای دموکراتیک را در خود پرورش می‌دهند، در صورت اختلاف منافع، از سازوکارهای مسالمت‌آمیز برای حل و فصل بهره می‌گیرند. در چارچوب

- 1- Ambiguous Symbolism
- 2- Ideological Fundamentalism
- 3- Illiberal Structure

قدرت رابطه‌ای همین امر صادق است. در شرایطی که ساختارهای غیردموکراتیک بر تعامل ساختار- کارگزار حاکم باشد، اعتمادسازی درون شبکه تحدید شده و قدرت رابطه‌ای را مختل خواهد کرد. این به معنای این نیست که ساختارهای غیردموکراتیک نمی‌توانند به شبکه‌های اعتماد ایجاد کنند. همانگونه که تاریخ جنگ اول و دوم نشان داده است. اما این شبکه‌ها به دلیل ماهیت یکجانبه قدرت و تأکید بر قدرت قهرآمیز (مادی و معنایی)، دوام نداشته و فرومی‌پاشند. دموکراسی‌زدایی با این مؤلفه زمین‌ه بی‌اعتمادی را فراهم می‌کند. در مقابل ساختارهایی که به الگوهای دموکراتیک تأکید دارند، اعتمادسازی را به عنوان راه پیشینه‌سازی منافع جهت نیل به همکاری می‌بینند. به همین جهت باید عنصر اعتماد در درون شبکه‌های اعتماد را به عنوان عنصر پایه‌ای برای ساختارهای دموکراتیک دانست.

### نتیجه‌گیری

اعتماد به طور گسترده‌ای به عنوان یک جزء کلیدی از تعامل انسانی و سازمان سیاسی شناخته شده است. با این حال، علی‌رغم نگرانی اصلی آن با رابطه بین بازیگران در سطح کل و همچنین در سطح فردی، مطالعه اعتماد و نقش و ماهیت آن در تاریخ صد ساله روابط بین‌الملل تا حدود زیادی نادیده گرفته شده است. به گونه‌ای که مطالعات آکادمیک در این زمینه بیشتر به سال‌های بعد از ۲۰۰۰ برمی‌گردد.

با توجه به الگوی جدید قدرت در روابط بین‌الملل که در آن قدرت از ویژگی سیالیت، عدم قطعیت، خصلت دوگانه و درهم‌تنیدگی برخوردار است، قدرت رابطه‌ای را با توجه به تأکید آن بر تعامل و اعتمادسازی مبنی بر تأکید آن بر الگوهای معنایی در نظام بین‌الملل را بستری برای اعتمادسازی یافتیم. نگاه تقلیل‌گرایانه الگوی نیوتنی قدرت امکان‌آرایی تحلیل جامع در چارچوب قدرت رابطه‌ای را نداشته و تعامل ساختار- کارگزار را ممکن نمی‌کند. این تعامل در دو بعد مادی و معنایی زمینه را برای اعتمادسازی فراهم کرده است. به گونه‌ای که در موضوع اعتمادسازی و قدرت رابطه‌ای این موضوع مستقیماً تعامل دارند.

قدرت رابطه‌ای به عنوان شاخصه‌ای از الگوی کوانتومی قدرت که به شکلی منسجم در آراء بالدوین مورد توجه قرار گرفت، بر اهمیت عناصر قدرت مادی و سخت مانند نیروهای نظامی، ثروت اقتصادی، جمعیت و اندازه ارزش‌های اساسی اذعان دارد؛ در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که قدرت معنایی مانند هنجارها، الگوهای رهبری و گفتمان به همان اندازه دارای اهمیت هستند. همچنین اینکه منابع قدرت را می‌توان



در ساختارها، اعم از مادی یا معنایی، مورد توجه قرار داد. با این حال، این شکل از قدرت بر وجود شکل متفاوتی از قدرت به عنوان یک منبع در هر شبکه‌ای تأکید دارد که توسط بازیگران برای اعمال نفوذ و دستیابی به نتایج مطلوب استفاده شده است و آن روابط بین بازیگران است.

در این مقاله در راستای تقویت فرضیه اصلی، به شبکه‌های اعتماد و نحوه تعامل میان بازیگران دخیل در این شبکه‌ها، جایگاه قدرت رابطه‌ای بین بازیگران در درون این شبکه‌ها و نهایتاً عوامل بی‌اعتمادسازی که منجر به فروپاشی این شبکه‌ها و تأثیر بر قدرت رابطه‌ای می‌شوند، اشاره کردیم. به نظر می‌رسد قدرت رابطه‌ای به دلیل ماهیت دینامیک آن (الگوی کوانتومی قدرت)، با تأکید بر عوامل اساسی اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، تعامل متقابل فعال و خودخلاقیتی بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در درون شبکه اعتماد می‌شود.

در نهایت ضمن توجه به مفهوم اعتماد و بی‌اعتمادی<sup>۱</sup>، به منظور مطالعه کاربردی در زمینه اعتمادسازی بر مبنای قدرت رابطه‌ای، موضوعات مهم اعتمادسازی، تدابیر اعتمادسازی و موانع اصلی اعتمادسازی بین بازیگران درگیر در قدرت رابطه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



سال سوم، شماره  
۲، پیاپی ۸، پاییز  
و زمستان ۱۴۰۳  
اعتمادسازی  
بر اساس قدرت  
رابطه‌ای در روابط  
بین‌الملل

منابع

فارسی

زنگنه، حمید (۱۳۹۷). چستی و چگونگی اعتمادسازی در روابط بین‌الملل. رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۳۲۰، سال سی و دوم، صص. ۴۷ - ۵۲.

کیوان حسینی، اصغر (۱۴۰۰). اثرپذیری مطالعات بین‌المللی قدرت از برداشت رابطه‌محور، سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۱، ۶۹-۱۰۰.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

نای، جوزف (۱۳۹۳). *آینده قدرت*، ترجمه محمد حیدری و آرش فرزاد، تهران: فرزاد.

انگلیسی

*Relations. International in Mistrust and Trust*. (2005) Kydd .H Andrew .Princeton University Press

Baldvin, d (2013). Power and International Relations in Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth a Simmons, *Handbook of international Relations*, .thousand oaks, CA: Cage Publication, 273-297

Barber, Bernard (1983). *The Logic and Limits of Trust*. Rutgers University .Press

Barnett, Michael, and Duvall, Raymond (2005). *Power in International .Politics*. United Kingdom: Cambridge University Press

Booth, Ken and Wheeler, Nicholas (2008). *The Security Dilemma: Fear, Cooperation and Trust in World Politics*. United Kingdom: Palgrave Mac-Millan

Butterfield, Herbert (1951). *History and Human Relations*. London: Col-lins

Das, Dipaneeta (2022). Biden Orders US Flag to Fly At Half-mast Until July 10 To Honour Ex-Japan PM Abe Shinzo. *Republicword.com*. Retrieved from: [Biden orders US flag to fly at half-mast until July 10 to hon-](#)



سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، اعتمادسازی براساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

til July 10 To Honour Ex-Japan PM Abe Shinzo. *Republicworld.com*. Retrieved from: [Biden orders US flag to fly at half-mast until July 10 to honour our ex-Japan PM Shinzo Abe \(republicworld.com\)](#)

*Relations International*. (Griffiths, Martin and Terry O'Callaghan (2006). Routledge :York New and London. *Concepts Key The*

Hart, Jeffrey (2009). Three approaches to the measurement of power in international relations. *International Organization*. 30 (2)

Herz, John H. (1950). Idealist Internationalism and the Security Dilemma. *(World Politics*. V 2 (2)

Hoffman, A.M. (2002). 'A conceptualization of trust in international relations'. *European Journal of International Relations*. (40)

*Poli- International in Misperception and Perception*. (1976) Robert Jervis, Princeton University Press :Princeton. *tics*

international in relationships Trusting'. (2014) J. Ruzicka and V. Keating *(Studies*. (40 *International of Review* . 'hedge to need No :politics

Mirzafarjouyan, Zahra (2020). China to send new humanitarian aid shipments to Iran: envoy. *Mehrnews.com*. Retrieved from: [China to send new humanitarian aid shipments to Iran: envoy - Mehr News Agency](#)

Qin, Yaqing (2006). *A Relational Theory of World Politics*. United Kingdom: Cambridge University Press

*Politics World*. (Russett, Bruce, Harvey Starr, and David Kinsella (2006). *Choice*, 8th Edn. Belmont: Wadsworth/Thomson Learning for Menu The



سال سوم، شماره  
۲، پیاپی ۸، پاییز  
و زمستان ۱۴۰۳،  
اعتمادسازی  
بر اساس قدرت  
رابطه‌های در روابط  
بین‌الملل